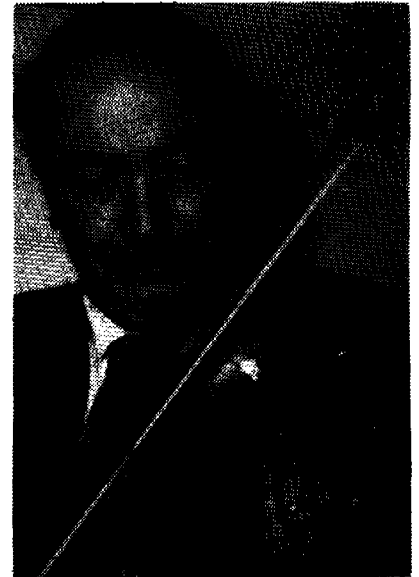


• نگاهی به زندگی، شیوه کار و آثار استاد ابوالحسن صبا

صبا

در کار و هنر خود یگانه دوران بود

■ دکتر ساسان سپنتا



■ استاد ابوالحسن صبا فرزند ابوالقاسم کمال السلطنه و او فرزند صدرالحکماء و این فرزند محمودخان صبا، ملک الشعراء عهد ناصری است. کمال السلطنه مردی ادیب و هنردوست بود و سه تار می نواخت و با هنرمندان عصر مصاحبت داشت. ابوالحسن خان در ۱۲۸۱ هجری شمسی تولد یافت.

تحصیلات صبا در مدرسه آمریکائی تهران (البرز فعلی) انجام گرفت و زبان انگلیسی را آنجا آموخت ولی علاقه به موسیقی و هنرهای دیگر مانند نقاشی مجال به پایان رسانیدن مدرسه را به او نداد و او چند سال نزد میرزا عبدالله سه تار و از درویش خان تار و از حسین اسماعیل زاده کمانچه و از حسین هنگ آفرین ویلن و از علی اکبر شاهی سنتور و از حاجی خان ضرب را آموخت. او مدتی به مدرسه کمال الملک رفت و نقاشی کرد و مدتی در قورخانه کار کرد و سوهان کاری را فرا گرفت و به تمرین خط - به ویژه خط شکسته - نیز علاقه زیادی داشت. در اواخر سال ۱۳۰۲ مدرسه عالی موسیقی افتتاح شد، مخالفان علینقی وزیر بنا به مصلحت خود، از طریق سعایت، هنرجویان را از رفتن به آن مدرسه منع می کردند. اما ابوالحسن صبا در سن بیست و یک سالگی از همان تاریخ شروع کار مدرسه، به آنجا رفت و زیر نظر علینقی وزیر شیوه صحیح نوازندگی ویلن و نظری موسیقی را آموخت و آموخته گشت. صبا با استعدادی عجیب به فرا گرفتن فنون موسیقی پرداخت، به طوری که وزیری به زودی او را به سمت نماینده کلاس تعیین کرد و او استاد را در تدریس و تمرین دادن دیگر هنرجویان یاری می کرد و نظرات وزیری را برای شاگردان تشریح می کرد. پس از چند ماهی ارکستر مدرسه با تعدادی حدود پانزده نفر نوازنده تشکیل شد و به رهبری وزیری آهنگهای خود او را با هم آهنگی (هارمونی) اجرا می کرد و صبا در صندلی اول ویلن اولها قرار گرفت و قطعات ویلن تنها (سلو) را نیز می نواخت. این ارکستر به تدریج با سازهای متنوع تری گسترش پیدا کرد و در کلوب

موزیکال که وابسته به مدرسه بود و کنسرت های بعدی به اجرای برنامه پرداخت. یک سال پس از تأسیس مدرسه موسیقی وزیری، تعدادی از هنرجویان به موسیقی دلیستگی بیشتری یافتند و به جای هفته ای دو روز، وقت بیشتری را به حضور در مدرسه مذکور اختصاص دادند. صبا هم که از صبح تا ظهر به کار اداری مشغول بود، هر روز بعد از ظهر به مدرسه مذکور می آمد و غالباً تا ساعت ۹ شب به تمرین و فراگیری موسیقی می پرداخت. با افزایش هنرجویان، وزیری برخی از آنها را به صبا سپرد و اولین کلاس ویلن صبا در مدرسه مذکور تشکیل شد.

در فروردین ۱۳۰۶ ارکستر مدرسه عالی موسیقی برای برگزاری کنسرت با وزیری به رشت و انزلی مسافرت کرد. مردم گیلان از نوای ویلن صبا استقبال کردند و از وزیری تقاضا کردند مدرسه ای در رشت دایر کنند. وزیری ترتیب این کار را داد و صبا را به سمت رئیس مدرسه «صنایع ظریفه» در رشت تعیین کرد. حدود دو سال صبا در رشت ماند و شاگردانی تربیت کرد ولی هوای مرطوب آنجا با صبا سازگاری نداشت و به ناچار به تهران مراجعت کرد ولی صبا در این سفرها چند آهنگ محلی آن منطقه را به نت نوشت و روزها با اسب و قاطر از راههای صعب العبور آن زمان به مناطق عمارلو، دیلمان و رسیله مسافرت کرد. در عمارلو یکی از نوازندگان محلی به نام فیض الله آشنا شد و آنچه او با کمانچه می نواخت صبا به خط نت یادداشت می کرد. چون در آن زمان دستگاه ضبط صوت نواری موجود نبود، صبا ناچار بود آهنگهای محلی را با تمام مشخصاتش به نت یادداشت کند. روش نت نویسی صبا همان بود که وزیری به کار می برد. صبا در دوره هنرجویی نزد وزیری بجز نت، با تکنیک خاص ویلن آشنا شد و برای مهارت در نوازندگی قطعاتی از متدهای ویلن مانند کتاب شوچیک و کرویتزر را تمرین کرد و ضمناً به شیوه آهنگسازی وزیری و نت نویسی و نشانه های ابتکاری او برای ثبت موسیقی ایرانی از

۲۹ آذر ماه، سالروز درگذشت «ابوالحسن صبا» بود. او که در زمینه هنر موسیقی ایرانی از نوادر روزگار ما بود، بدون اغراق تمامی عمرش را صرف تعلیم و تعلم این هنر کرد. نام «صبا» با موسیقی ارزشمند کشورمان عجین شده و شاگردانی که از او تعلیم گرفته اند، امروزه غالباً از بزرگان این هنر در کشورمان هستند.

آنچه که در زیر می خوانید، مقاله مبسوطی است درباره شخصیت هنری شادروان ابوالحسن صبا و ویژگیهای کار و تلاش عمر پرثمر این بزرگمرد عرصه موسیقی ملی ایران.



قبیل نشانه‌های جزء نیم پرده‌ها (مشهور به ربع پرده) سُرّی و کُرُن و علائم «تکیه» یا بدون میزان نوشتن آوازه‌های ایرانی مورد استفاده صبا واقع شد. از اواخر سال ۱۳۰۶ ضبط صفحه گرامافون از ارکستر مدرسه عالی موسیقی آغاز شد. صبا علاوه بر نوازندگی در ارکستر در فواصل مقتضی مانند صفحه دشتی «ای وطن» یا آغاز صفحه افشاری، چند قطعه ویلن تنها نواخت. بخش این صفحات و کنسرت مذکور به تدریج عده‌ای را مفتون ساز و کرد و در بین خاص و عام شهرت یافت.

صبا از سال ۱۳۱۰ در منزل خود واقع در کوچه ظهیرالاسلام کلاس ویلن و آموزش موسیقی دایر کرد و بجز ویلن به تعلیم، سنتور، سه تار و آواز نیز می‌پرداخت. در آن زمان صبا هر جلسه چند سطر از ردیفهای خود را برای هنرجویان می‌نوشت و آنها رونویس می‌کردند، و تا سالها بعد (که ردیفهای او به چاپ رسید) این وضع ادامه داشت. قبل از این به هنگام تحصیل در مدرسه عالی موسیقی، برخی قطعات ساخته او مانند زرد ملیحه (به نام سلوی صفحه‌ای وطن) [همان قطعه‌ای که بخشی از اجرای آن آرم فعلی برنامه پایانی شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی است] در صفحات ۷۶ و ۷۸ و چهار مضراب سه‌گانه در صفحه ۲۴۸ در کتاب دستور ویلن وزیری آمده بود. صبا به تدریج به نوشتن و تنظیم دو جلد ردیف برای ویلن و یک جلد قطعات ضربی پرداخت که در سالهای بعد از ۱۳۲۰ به چاپ رسید و کلاس خصوصی او نیز تا پایان عمرش دایر بود. در سالهای بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۹ فعالیت هنری صبا به تدریس در کلاس خصوصی و همکاری با گروههای همنازی با نوازندگانی چون مشیر همایون شهردار برای ضبط صفحه به خوانندگی ظلی و فرح انگیز و تعدادی دیگر اختصاص داشت. در این سنوات دو سفر به بیروت و شام کرد و صفحاتی نیز در آنجا ضبط کرد که یکی از آنها اثر معروف او در سه‌گانه، به نام «زنگ شتر» است.

در سال ۱۳۱۹ که رادیو افتتاح شد، صبا در ردیف اول نوازندگان رادیو قرار گرفت و در ۱۳۲۰ که وزیری ارکستر نوین را برای رادیو ترتیب داد صبا با آن ارکستر همکاری کرد و بار دیگر پس از مدتی همکاری او با وزیری ادامه پیدا کرد. او در همین سال به سمت هنرآموز کلاس هنرستان عالی موسیقی به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. در آبان ۱۳۲۰ به مناسبت ورود هنرمندان تاجیک به ایران کنسرتی در هنرستان عالی موسیقی ترتیب داده شد که ضمن برنامه‌های ارکستر و همنازی، سه برنامه تک‌نوازی از ویلن تنهای ابوالحسن صبا، سنتور تنهای حبیب سماعی و تار تنهای حسین سنجری اجرا شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. صبا در کنسرت‌های انجمن موسیقی ملی که در ۱۳۲۴ به همت روح‌الله خالقی تأسیس یافت شرکت داشت و به عنوان نوازنده در گروه همنازی و تک‌نواز ویلن نوازندگی می‌کرد. از سال ۱۳۲۸ که خالقی هنرستان موسیقی ملی را تأسیس کرد او استاد آن هنرستان شد و شاگردان خوبی چون نصرت‌الله گلپایگانی را (که متأسفانه در توجوانی درگذشت) تربیت کرد. فعالیت صبا در این هنرستان تا پایان عمر او ادامه داشت. چند سال بعد ارکسترهای دیگری در اداره کل هنرهای زیبا تشکیل شد و رهبری ارکستر شماره یک آن به صبا واگذار گردید. این ارکستر پس از درگذشت صبا به نام او نامگذاری شد و رهبری آن به آقای حسین دهلوی واگذار گردید که در سنوات بعد در توسعه کمی و کیفی آن کوشش‌روا داشت. صبا از سال ۱۳۳۵ در گروه همنازی برنامه‌گلهای رادیو که تلفیقی از شعر و موسیقی بود به عنوان تک‌نواز و گاه سرپرست ارکستر فعالیت داشت که تا پایان عمر به آن کار اشتغال داشت.

ابوالحسن صبا بجز ویلن در نواختن سه تار، سنتور، کمانچه، ضرب کمال مهارت را داشت و در هر رشته شاگردان ممتازی تربیت کرد. بجز آن، در هنرهای دیگر مانند نقاشی، گلدوزی، منبت‌کاری و ساختن برخی

■ صبا سه تار را

استادانه می‌نواخت و این ساز را برای

بیان احساسات و حالات

موسیقی ایرانی بسیار مناسب می‌دانست و

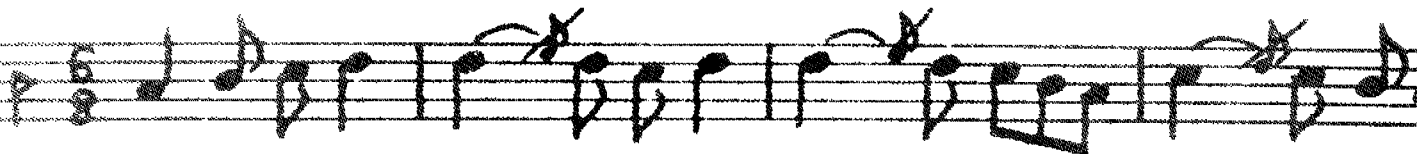
خود آن را سازی عرفانی می‌خواند.

■ صبا به نوازندگی ویولونیستهای بزرگ چون دیوید اویستراخ و آثار آهنگسازان بزرگی چون بتهون گوش فرامی داد و حدو

مرز جغرافیایی مانعی برای درك زیباییها به شمار نمی آمد.

■ صبا در آموزش آنچه می دانست دارای بلندی طبع بود و اطلاعات خود را بی دریغ

به هنرجوی مستعد منتقل می کرد.



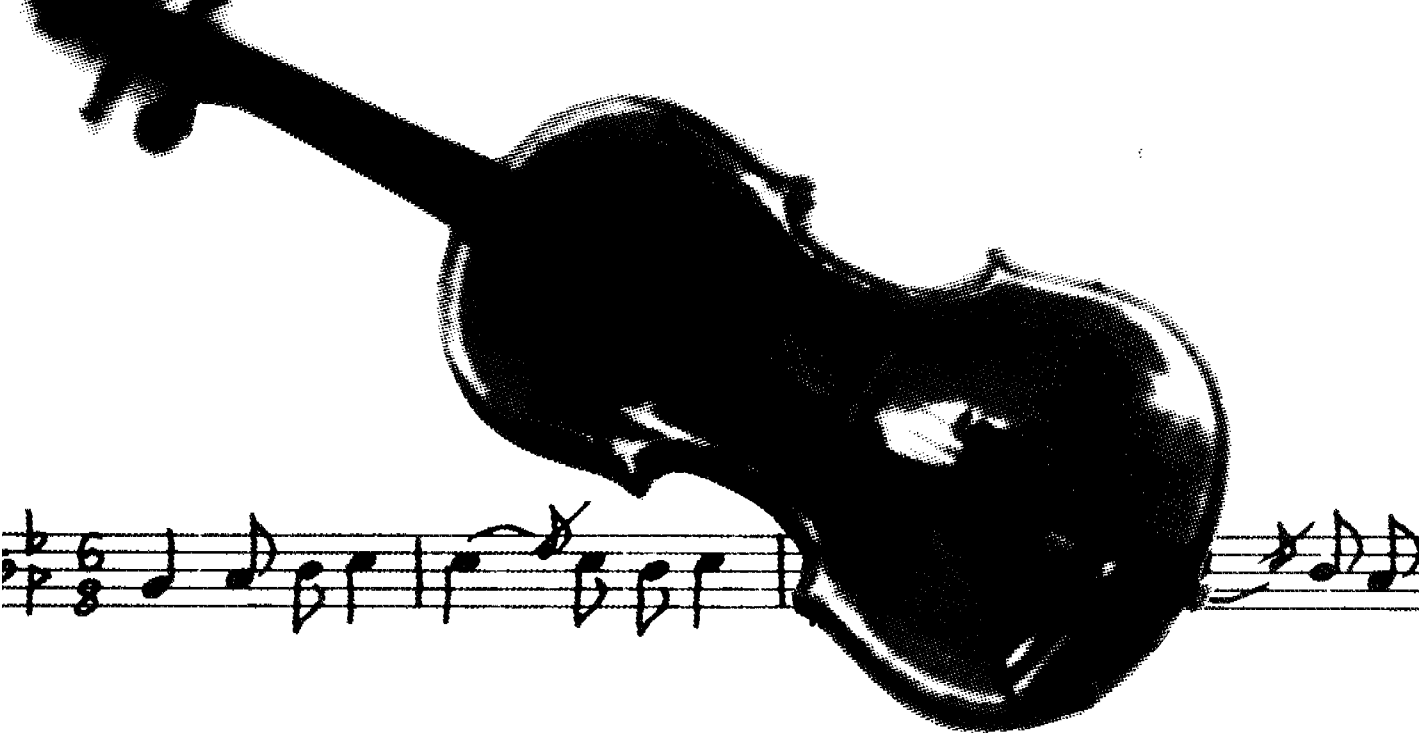
سازها مانند سه تار و غیره ماهر بود و به ادب فارسی و حسن خط و قوف داشت. بجز تربیت شاگردان در رشته موسیقی، چند تن از استادان مشهور سازنده سازهای موسیقی مدیون تشویقها و راهنماییهای صبا هستند که از آنها می توان مهدی ناظمی سازنده مشهور سنتور و ابراهیم قنبری مهر سازنده توانای ویلن را ذکر کرد. او تا يك هفته قبل از درگذشت، با وجود خستگی جسمی و کسالت، تدریس موسیقی را رها نکرد و در سن ۵۵ سالگی در سحرگاه جمعه ۲۹ آذر ۱۳۳۶ بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع کرد. صبا در آموزش آنچه می دانست دارای بلندی طبع بود و اطلاعات خود را بی دریغ به هنرجوی مستعد منتقل می کرد. به هنرجویانی که پرداخت شهریه آنها به تأخیر می افتاد تذکری نمی داد و اگر تشخیص می داد هنرجویی بضاعت پرداخت شهریه را ندارد به رایگان به تعلیم او می پرداخت. بسیاری از نوازندگان و استادان موسیقی معاصر خوشه چین تعلیمات و آموزش هنری او بودند که از آن جمله اند: مهدی خالدی، علی تجویدی، حسن کسانلی، حسین تهرانی، فرامرز پایور، لطف الله مفخم پایان، محمود تاج بخش، همایون خرم، رحمت الله بدیعی و تعدادی دیگر. نگارنده نیز به سهم خود از کلاس و تعلیمات استادانه صبا بهره مند بوده ام و یادآوری شیوه آموزش و سجایای اخلاقی او همواره برایم مغتنم است.

سیک

با آنکه صبا چند ساز، به ویژه ویلن، سه تار و سنتور را استادانه می نواخت ولی شهرت او بیشتر در نوازندگی ویلن بود. آنهایی که به روش صحیح نواختن این ساز واقف هستند می دانند که حاصل کردن تن صدای ویلن با بهترین کیفیت، مستلزم رعایت بسیاری دقایق در کشش و فشار آرشه و شیوه انگشت گذاری و نشست مطلوب انگشتان دست چپ روی دسته و سیمهاست و حتی روش مطلوب به دست گرفتن ساز و آرامش و تعادل روحی نوازنده همه در حصول تن صدای مطبوع

دخیل است. اگر در آموزش ویلن، هنرآموز توجه به این عوامل نداشته باشد، طبیعتاً صدای حاصله از ساز هنرجو فاقد تن درخشان و مطبوع و واجد فرکانس (NOISE) های ناخواسته در آرشه های کشیده و ممتد و به ویژه در آرشه های مقطع و استاکتو، خواهد بود. برای حصول به مقصود، گذشته از تعلیم مربی و هنرآموز که الزامی است شنیدن نمونه های مطلوب اجراهای نوازندگان مشهور جهان با کیفیت مناسب، هنرجو را یاری می دهد. در سالهای اول تأسیس مدرسه عالی موسیقی تعدادی صفحات گرامافون موسیقی اروپایی که وزیری با خود به ایران آورده بود گاهگاه مورد استفاده هنرجویان واقع می گشت. در بین آن صفحات اجراهایی از ویلن نوازنده مشهور جهان فریتز کرایسلر وجود داشت. (نواخته های کرایسلر که در همان صفحات هفتاد و هشت دور قدیمی ضبط است دارای آن چنان ویژگیهایی از قبیل قدرت آرشه و تن درخشان و بلاغت است که هنوز هم مورد توجه نوازندگان می باشد. با آنکه بیشتر قطعات کرایسلر توسط نوازندگان قوی معاصر مانند کریستیان فراس و دیگران با ضبطهای نواری جدید اجرا و عرضه شده است، معهذاً آنهایی که گوششان به صدای ویلن کرایسلر آشناست می دانند که نواخته های او در همان صفحات قدیم مانند: «مدی تیشن» اثر ماسنه یا قطعه «در اعماق قلب من» ساخته خود او که با ویلن مشهور ساخت استرادیواریوس نواخته دارای شیوه بیان و تن مطلوب دلپذیر خاصی است.)

شنیدن این گونه آثار به هنگام آموزش موسیقی به ویژه برای نوجوانی مانند صبا با آن استعداد و قدرت اخذ از طریق گوش، در گرایش او به حصول تن تمیز و مطبوع ویلن مؤثر بوده است، به طوری که نوای ویلن صبا در سالهای پیرامون ۱۳۱۲ دارای آن چنان شیوه بیان و تن صاف و زلالی است که یادگار ممارست او در تکنیک ساز و شنیدن نمونه های سابق الذکر می باشد. صبا در سنوات بعد هم به نوازندگی و ویولونیستهای



ابتکاری جالب بود. شیوه اجرای تکیه‌ها که در آوازهای ایرانی بسیار واجد اهمیت است اختصاص به صبا داشت. او بارها به نگارنده ضمن تعلیم اشاره کرده بود که در ابتدا انگشتی که نت آبیازیا تور را در تکیه اشاره می‌کند ملایم می‌نواخته ولی پس از مدتی ممارست و تعلیم شاگردان به این نتیجه رسیده بوده است که نرم نهادن انگشت اجرا کننده تکیه و خفه کردن نت زینت آن مطلوب نیست و شیوه مطلوب را در اجرای آنها تعلیم می‌داد. صبا به خلاف بیشتر نوازندگان قدیم ویلن که فقط از پوزیسیون اول استفاده می‌کردند، از پوزیسیونهای دیگر استفاده می‌کرد و در آثارش آنها را منظور کرده است.

در تدوین ردیفها برخی گوشه‌ها از اضافات خود اوست که در ردیف قدما اکثراً ملاحظه نمی‌شود. به طور مثال گوشه صدری در افشاری را به یاد واعظ خوش آواز مقیم اصفهان، عبدالحسین صدرالمحدثین و گوشه شهابی در بیات ترک را به یاد شهاب السادات اصفهانی و گوشه‌های دیلمان و امیری (به یاد امیر بازواری شاعر مازندرانی) در آواز دشتی اضافه کرده و از ابتکارات خود او می‌باشد.

او در اجرا، ارتعاش مداوم دست چپ بر سیمها را جایز نمی‌دانست و اجرای نت به صورت استوار و با حالتی مطبوع را بر ارتعاش سریع و زیاد انگشتان ترجیح می‌داد، به ویژه در صداهای زیر و پوزیسیونهای سیم اول ویلن (سیم مس) بیشتر بر استواری نت تأکید داشت تا ارتعاش ناستجیده و غیرضروری. از آهنگهایی که بر مبنای آهنگهای محلی به ویژه گیلان ساخته اینها مشهورترند: زرد ملیجه (کنجشک زرد) که اقتباسی است از آهنگهای محلی گیلان (دیلمان و اسپیلی) و دردشتی ساخته است و از قطعات زیبای صبا به شمار می‌رود. دیگر قطعه کوهستانی در عشاق دشتی است. مقدمه این قطعه باتری‌های اجرایی بر نتهای لاوسل وفاومی، چوبانی را مجسم می‌کند که بر فراز تپه‌ای به هنگام غروب آفتاب به وسیله نی

بزرگ چون دیوید اویستراخ و آثار آهنگسازان بزرگی چون بتھون گوش فرا می‌داد و حد و مرز جغرافیایی برای او مانعی در جهت درک زیباییها به شمار نمی‌آمد. شیوه بیان و بلاغت نوازندگی ویلن صبا در اثری که حدود سال ۱۳۱۲ در ابوعطا نواخته و در صفحه کلمبیا به شماره WO88 ضبط است، از همان آغاز چهار مضراب ابوعطا که با سه نت سیاه (که از نت دوم گام شور شروع می‌شود و به نت شاهد ابوعطا، نت چهارم شور) می‌رسد، محسوس است. او پس از خاتمه چهار مضراب، در درآمد آواز بر نت شاهد ابوعطا (نت لا) توقف می‌کند و شفافیت و درخشانی تن صدای حاصله از ویلن صبا که انعکاس برداشت عالی او از شاهکارهای سابق الذکر است در کیفیت تن سازش ملاحظه می‌شود. بجز مطلب فوق، از نظر محتوا، صبا تحریرهای موسیقی ایرانی را که در ساز و آواز معمول بود با سلیقه خاصی به صورت تکیه‌های مختلف به نت نوشت و در ردیف خود عرضه کرد. به طور مثال تحریر درآمد عشاق دشتی یا تحریر درآمد افشاری و تحریر آواز شور کتاب اول او از نمونه‌هایی است که توسط معدود خوانندگان استاد شنیده می‌شد و صبا با امانت بسیار و دقت زیاد آنها را به نت نوشته در ردیف خود وارد کرده است. بسیاری از قطعات ردیف او (مانند رباعی در دشتی کتاب اول) بجز با آرشه‌های چپ و راستی که خود او تعلیم می‌داد، به شیوه دیگر قابل اجرا نیست. علاوه بر آوازه‌ها بسیاری قطعات ضربی مانند:

رقص چوبی قاسم آباد گیلان یا رنگ دشتی یا رنگهای شهر آشوب که بعدها تنظیم کرد و به طور خصوصی در دوره‌های عالی کلاس خود درس می‌داد فقط با آرشه‌هایی که خود صبا تنظیم کرده و چپ و راستیهای آن را تعیین کرده بود و پرسشها و توالی آنها از ابداعات خود او بود، قابل اجرا است.

صبا برای ایجاد تنوع در اجرای ردیف گذشته از چهار مضرابهای قبل از درآمد آواز در بین گوشه‌های آوازی نیز برخی چهار مضرابهای کوتاه ابداع کرد که

■ ابوالحسن صبا بجز ویلن،

در نواختن سه تار، سنتور، کمانچه و ضرب

کمال مهارت را داشت

و در هر رشته شاگردان ممتازی

تربیت کرد.

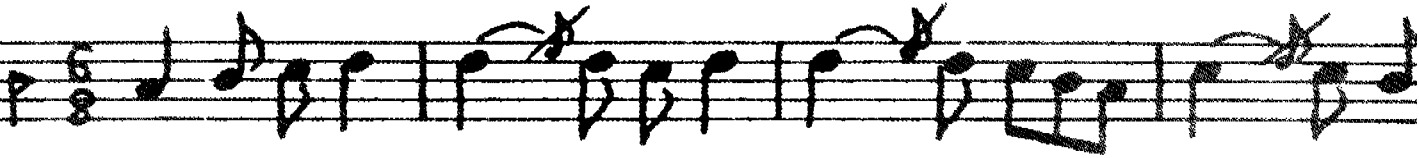
■ بسیاری از نوازندگان و استادان موسیقی معاصر خوشه‌چین تعلیمات و آموزش هنری او بودند.

■ اگر تشخیص می‌داد هنرجویی

بضاعت پرداخت شهریه را ندارد به رایگان به تعلیم او می‌پرداخت.

■ صبا در کار تدریس بسیار با حوصله بود و نقاط ضعف شاگرد را به خوبی

تشخیص می‌داد.



دلنشین ادا می‌کرد.

او در نت‌نویسی، ضربهای لنگ (طاق) را که در برخی قطعات محلی بود، به فراست دریافته بود و میزانهای ترکیبی پنج یا هفت ضربی را به همان صورت که اجرا می‌شد می‌نوشت در صورتی که بسیاری تصور می‌کردند که خواننده یا نوازنده محلی اشتباه می‌کند و به خیال خود آن را به صورت میزان شش هشتم می‌نوشتند که در واقع تحریف بود و آهنگ را از حالت اصلی خارج می‌ساختند.

روش تدریس:

صبا در کار تدریس بسیار باحوصله بود و نقاط ضعف شاگرد را به خوبی تشخیص می‌داد. او به خلاف استادش وزیری به تدریس اتود زیاد معتقد نبود و با نواختن پیش‌درآمدهای ساده‌تر و قطعات مطلوب شاگرد را تمرین می‌داد. او ابتدا مقدمات نت را یاد می‌داد و بعد به شیوه دست گرفتن ساز می‌پرداخت و پس از تمرینهای انگشت‌گذاری و غیره به تدریج به قطعات مشککتر می‌پرداخت. در ویلن پس از مدتی طرز اجرای تکیه‌ها را می‌نوشت و تمرینهای آرشه و پوزیسیونهای مختلف را تدریس می‌کرد و بعد از پیش‌درآمدهای ساده، آواز دشتی ردیف یک خود را شروع می‌کرد و از آنجا گوشه‌ها را با انگشت‌گذاری و حالات مخصوص هر جمله یاد می‌داد. گاهی برای

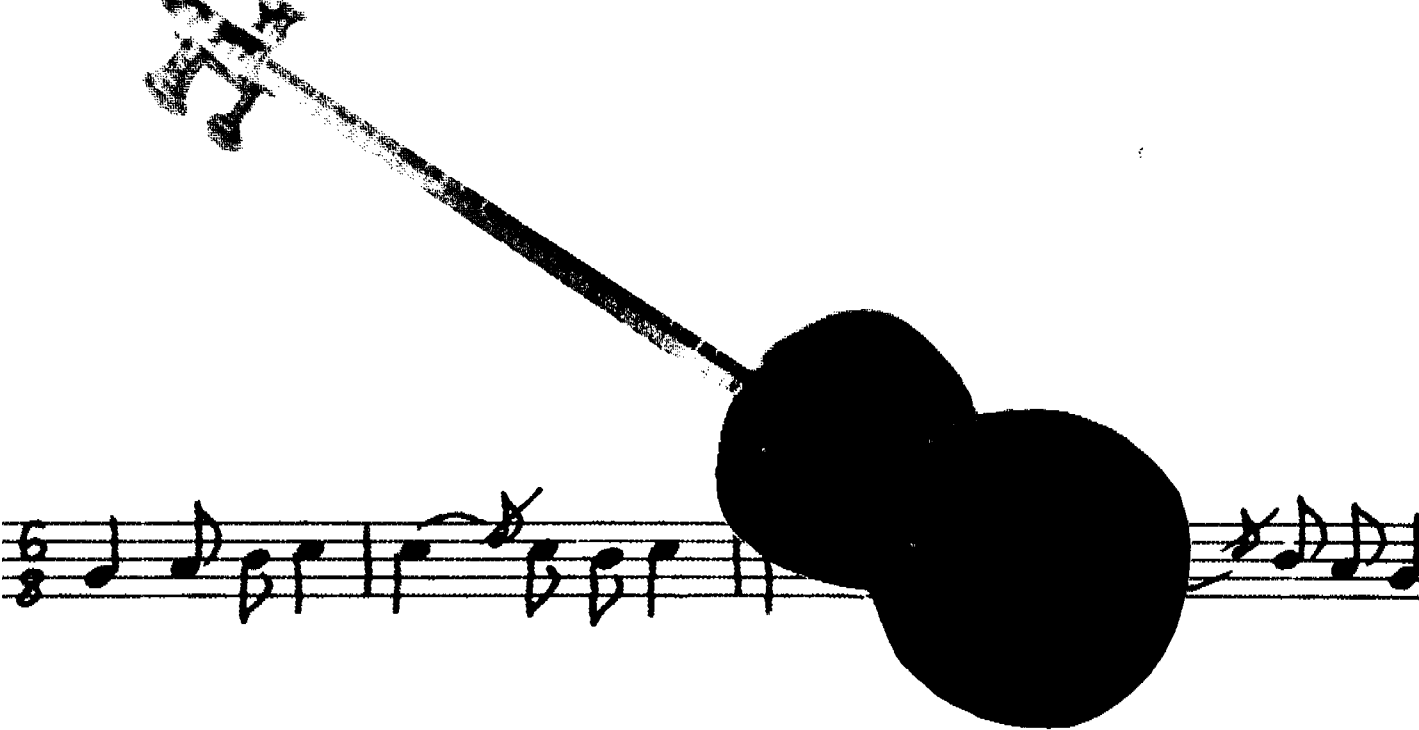
بهبتر مفهوم شدن ملودی، شعری که زیر آن نوشته بود، با آن می‌خواند تا هجاهای شعر بشنودند و تداعی موسیقی واقع شود. او پس از تدریس ردیف یک (در چپ کوک) و ردیف دو (در راست کوک) به تدریس قطعات ضربی کتاب سوم خود می‌پرداخت و در ویلن آرشه‌های چپ و راست هر کدام را با انگشت‌گذاریها تدریس می‌کرد و در دوره‌های بالاتر برخی قطعات ضربی مانند رنگ دشتی یا رنگهای شهر آشوب را با آرشه‌های مقطع منظم می‌نوشت و تدریس می‌کرد. توصیه‌هایی که صبا در حین آموزش به هر شاگردی می‌کرد بسیار مهم و

گوسفندان خود را جمع می‌کند و در قسمت بعد که قطعه به صورت دوضربی موزون درمی‌آید سرازیر شدن چوبان و گوسفندان را از تپه و حرکات پای آنها را نشان می‌دهد. به همین مناسبت صبا نام آن را «گوسفندخان» نهاده بود. دخان به معنای جمع‌آوری آمده است. در قطعه در قفس در نغمه دشتی. وزن دوضربی و سه نت تکیه‌دار کوتاه در هر ضرب و سکونهای کوتاه متعاقب آن نمودار پرشهای کوتاه مرغک سبک بالی است که در فاصله کوتاه دیواره‌های قفس پرش گسیخته می‌کند و در قطعه کاروان دشتی، ضربه‌های پتتریکاتوبه سیمها، زنگهای کاروان را تداعی می‌کند. در این قبیل آثار صبا، رابطه طبیعت و موسیقی بسیار نزدیک است و بیشتر یادگار دوران مسافرت او به مناطق سرسبز شمال می‌باشد.

صبا سه تار را استادانه می‌نواخت و این ساز را برای بیان احساسات و حالات موسیقی ایرانی بسیار مناسب می‌دانست و خود آن را سازی عرفانی می‌خواند. او ذکر می‌کرد که چون صدای سه تار کم است از نظر سلیقه دسته‌جمعی طرف توجه نبوده و هر کس به سلیقه خود ناخن را روی سیمهای آن حرکت می‌دهد، در صورتی که این ساز به مناسبت قدمت، اهمیت دارد و ساز خواص است و اغلب اهل دل و سالکان طریقت با آن سروکار داشته‌اند. در شیوه نوازندگی سه تار مضرابهای چپ و راست صبا منظم و مرتب بود. در نواختن سه تار شلوغ نمی‌کرد و به هم زدن سیمهای سه تار را خوش نداشت و فقط نغمات از همان سیمی به گوش می‌رسید که ناخن می‌بایست به

آن اصابت کند. از انگشت شست دست راست در موقع مقتضی برای اجرای تنهای بم در برخی چهارمضرابها استفاده می‌کرد و آن را از پشت دسته به روی دسته می‌آورد و از طرف بالا پرده مورد نظر را می‌گرفت. در شروع هجاهای کلمات شعر، غالباً مضراب راست را به کار می‌برد و تکیه‌های مربوطه را منظم و با حالت





راهگشا بود و هر هنرجویی را جداگانه هدایت می کرد. به طور مثال به یکی می گفت آن آرامشی که برای نواختن آوازهای ایرانی لازم است در پنجه تو هست و دست تو روی ساز راحت است و یا به دیگری می گفت تو دست و عضلات خود را به هنگام نواختن «سفت» می گیری و منقبض می کنی و تا این عادت را رها نکنی ساز و پیشرفت تو مطلوب نخواهد شد. در ابتدا اکثر شاگردان خود به خود قطعات را با آرشه چپ شروع می کردند و بیشتر از بالای آرشه استفاده می کردند.

صبا با دقت خاص خود می گفت سعی کنید با این عادت مقابله کنید و بیشتر به توصیه ها توجه کنید و به تناسب از تمام قسمتهای آرشه استفاده کنید. همچنین از بی حال زدن انگشت در تنهای تکیه دار و سست بودن آن در بسیاری شاگردها، شکایت داشت و می گفت سعی کنید انگشت اجرا کننده تکیه را با قوت مناسب روی دسته نشانید تا صدای مطلوب حاصل شود. تمرینهای تکیه و برخی فرازهای مشکل و قطعات ضربی با آرشه های استاکاتو (مقطع و پرنده) را توصیه می کرد، در ابتدا با سرعت کمتر از معمول بنوازید و پس از آموختن به تدریج سرعت اجرا را زیاد کنید تا به حد مطلوب برسد. شیوه تدریس صبا و مکتب او مستلزم ذکر نکات فنی و فرصت زیادی است. که از حوصله این مقال خارج است و برای نمونه به همین چند نکته اساسی که برای هنرجویان مفید خواهد بود اکتفا شد.

آثار:

اولین اثری که از صبا ضبط شده و در دست است، زردملیجه او در آواز دشتی است که به وسیله ویلن او در صفحه گرامافون در اواخر ۱۳۰۶ هجری شمسی ضبط شده است و صبا در فواصل بند اول و دوم سرود، ای وطن از وزیری و در روی دوم صفحه آن قطعه را به صورت تک نوازی اجرا کرده است. به جز آن در مقدمه صفحه تصنیف بهار در افشاری با ارکستر وزیری،

درآمد آواز افشاری را نواخته است. بعد از این آثار اولیه اجرا شده در ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ در حدود سال ۱۳۱۲ تعدادی صفحه، هم به صورت همنازی و هم تک نوازی از او ضبط شد که مشهورترین آنها: ابوعطا و حجاز در گام شور می و بیات ترک است؛ به جز اینها چند تصنیف کمیک با اشعاری از باب مطایبه بر زمینه چند آهنگ از وزیری ساخت که با صدای خود او در همان سالها است. در حدود سال ۱۳۱۷ صفحاتی از ویلن او در سوریه ضبط گردید که سه گاه و چهار مضرب زنگ شتر در بین آنها مشهورتر است. از سال ۱۳۳۲ به بعد که دستگاهای ضبط نوار منطاطیسی به ایران آمد برخی ضبطهای شخصی در محافل دوستانه از: سه تار و ویلن او تهیه شد. بجز آن، نوارهایی از برخی برنامه های گلها در رادیو از ساز صبا باقی مانده که همراه با سنتور فرامرز پایور قطعاتی اجرا کرده است و نغمات ضربی که بر اشعار وحشی، شیخ بهایی، مولانا و عراقی برای برنامه گلها ساخته بود در دست است.

صبا سه دوره کتاب برای ویلن و چند جلد برای سنتور و سه تار و ضرب نوشت که به همت چند تن از شاگردان وفادارش به چاپ رسیده است و تعداد زیادی از ساخته های او که در مقاله ذکر شد در این کتابها منتشر شده است.

پس از درگذشت او برنامه هایی به یاد او توسط چند تن از شاگردان وفادارش مانند: علی تجویدی، مهدی خالدی و فرامرز پایور، بیشتر در تالار وحدت (رودکی سابق) اجرا گشت و آهنگهایی از قبیل سه گاه ساخته مهدی خالدی با شعر سیداسماعیل نواب صفا با آواز بنان در برنامه ۱۷۴ گلهای رنگارنگ به یاد او اجرا گشت. همچنین منزل مسکونی صبا واقع در خیابان ظهیرالاسلام با تغییراتی که بر اثر تعویض خیابان در آن داده شده به صورت «موزه صبا» درآمد که یادگارا و برخی وسائل شخصی و آثار او در آنجا محفوظ است.

■ بجز تربیت شاگردان در

رشته موسیقی چند تن از استادان مشهور

سازنده سازهای

موسیقی مدیون تشویقها و

راهنماییهای صبا هستند